



شیعه از منظر امام صادق(ع)/ پاسخی به یک اشتباه معمول

برای شیعه واقعی بودن باید دقیقاً با پیروی از ائمه اطهار (ع)، آنان را در گفتار، رفتار، عبادت و ... الگو و سرمشق خود قرار دهیم و به سیره عملی آنان متمسک شویم.

خبرگزاری مهر- برای شیعه واقعی بودن باید دقیقاً با پیروی از ائمه اطهار (ع)، آنان را در گفتار، رفتار، عبادت و ... الگو و سرمشق خود قرار دهیم و به سیره عملی آنان متمسک شویم.

شیعیان واقعی دارای ویژگی‌های خاصی هستند و به وسیله همان صفات و نشانه‌ها نیز شناخته می‌شوند. صرف داشتن حب اهل بیت (ع) برای شیعه بودن کافی نیست، زیرا بسیاری کسانی که ادعای محبت اهل بیت (ع) را دارند، اما شیعه واقعی نیستند. برای شیعه واقعی بودن باید دقیقاً با پیروی از ائمه اطهار (ع)، آنان را در گفتار، رفتار، عبادت و ... الگو و سرمشق خود قرار دهیم و به سیره عملی آنان متمسک شویم.

کلمه "شیعه" در قرآن هم آمده است. قرآن کریم در آیه 83 سوره صافات پس از بیان داستان حضرت نوح (ع) می‌فرماید: و ان من شیعۃ لابراهم؛ و بی گمان ابراهیم (ع) از پیروان نوح (ع) بود. یعنی حضرت ابراهیم (ع) درست همان راهی را می‌پیمود که حضرت نوح (ع) پیموده بود.

* نشانه‌های شیعه بودن

- گشاده دستی نسبت به برادران ایمانی

امام صادق (ع) اولین صفت شیعیان را جود و بخشش و عدم امساک نسبت به سایر شیعیان ذکر می‌کنند. مسلمانا برطرف کردن نیاز برادر ایمانی و یا رفتن به ملاقات او هنگام بیماری و یا مراجعت از سفر و ... از ابتدایی‌ترین وظایف شیعیان به شمار می‌آید.

- پرخاشگر و طمع کار نبودن

در عرب مرسوم است که بعضی از صفات ناپسند را به حیوانات نسبت می‌دهند. البته، در فرهنگ ما هم کم و بیش این مسئله وجود دارد؛ یعنی وقتی می‌خواهند زشتی عملی را مجسم سازند، آن صفت را به حیوانی نسبت می‌دهند. معروف است که سگ در میان حیوانات، حمله کننده و پارس کننده است؛ یعنی وقتی فرد ناشناسی را می‌بیند به او حمله می‌کند. این حالت سگ نشانه روحیه پرخاشگری است. البته سگ‌های پاسبان برای همین منظور تربیت می‌شوند که در مقابل افراد بیگانه چنین حالتی داشته باشند. هم چنین معروف است که طمع زیاد یکی از صفات کلاغ است. این حیوان حتی اگر گرسنه نباشد، مواد غذایی را ذخیره می‌کند تا در آینده از آنها استفاده کند. مثلاً گردو را دفن می‌کند. مشهور است که می‌گویند بسیاری از درختان گردو از گردوهایی به عمل آمده که کلاغ‌ها آنها را دفن کرده‌اند.

حضرت صادق (ع) می‌فرمایند: شیعیان ما مانند سگ، پرخاشگر و مانند کلاغ، طمعکار نیستند؛ یعنی نه درصدد آزار و اذیت دیگران بر می‌آیند و نه بیش از نیازشان به جمع آوری مال و ثروت می‌پردازند. به کار بردن چنین تعبیرهایی برای این است که زشتی بعضی رفتارها نشان داده می‌شود تا کسانی که زمینه این گونه صفات در آنها وجود دارد، خودشان را تزکیه کنند و نگذارند این صفات در آنها ریشه کرده و به صورت ملکاتی ثابت درآید. شان شیعیان اهل بیت (ع) با روحیه پرخاشگری و طمعکاری سازگار نیست، آنان باید عزت نفس داشته باشند و نسبت به مال و کار دیگران طمع نورزند.

- غافل نشدن از فعالیت‌های اجتماعی و برنامه‌های عبادی

نکته ای که باید مورد توجه قرار دهیم این است که ببینیم سخنان حضرت ناظر به چه شرایطی است. فهمیدن کلمات ائمه معصومین (ع) احتیاج به دقت و نوعی اجتهاد دارد. درست نیست که انسان روایتی را بخواند یا بشنود، بعد بدون تحقیق و دقت کافی به اطلاق و عموم ظاهری آن عمل کند. بعضی از افراد که شرایط ورود، لحن و قیود روایت را به خوبی درک نمی‌کنند، اگر روایتی به مذاقشان خوش بیاید و زمینه اش هم در آنها وجود داشته باشد، به آن روایت عمل یا استناد می‌کند. مثلاً آنان با دیدن روایاتی که شیعیان را افرادی ویژه معرفی می‌کند، چنین می‌پندارند که همه شیعیان در هر زمانی باید از تمام مردم حتی شیعیان دیگر نیز دوری کنند و یا کسی که شیعه است باید سرش در لاک خودش باشد، از خانه اش کم بیرون بیاید، اگر هم بیرون آمد، عبایش را روی سرش بکشد تا کم تر دیگران را ببیند، با کسی حرف نزند و ... این گونه افراد با چنین سلیقه‌هایی پیش از انقلاب زیاد بودند، اما به برکت انقلاب و رهنمودهای امام راحل و سایر بزرگان، این گرایش‌های اغراضی کم شده است. البته هنوز هم گوشه و کنار هستند کسانی که به این گونه روایات تمسک می‌کنند.

از سوی دیگر کسان دیگری فقط دستورات اجتماعی اسلام را می بینند و احکام عبادی را به کلی فراموش می کنند. آنها گمان می کنند که اگر وارد فعالیت های اجتماعی شدند، دیگر نیازی به انجام عبادات مستحبی ندارند. عبادت مخصوص افرادی است که گوشه ای نشسته اند، برای پیرزن ها و پیرمردهایی است که دستشان به جایی نمی رسد و از این رو وقتشان را با خواندن قرآن و دعا و گفتن ذکر پر می کنند!

این اشتباهی بزرگ است که کسی به بهانه انجام تکالیف اجتماعی از مسائل عبادی غفلت بورزد. نیازهای افراد با یکدیگر متفاوت است و بالطبع نوع عباداتشان هم فرق می کند، ولی به هر حال، فعالیت های اجتماعی، جای اینها را نمی گیرد اگر انسان این عبادت ها را ترک کند، فعالیت های اجتماعی، جای اینها را نمی گیرد. اگر انسان این عبادت ها را ترک کند، کم کم ماهیت آن فعالیت های اجتماعی هم عوض می شود؛ یعنی به جای اینکه به قصد انجام وظیفه باشد، گرایش های مادی و دنیوی جای آن را می گیرد. اگر چنین حالتی پیش آمد، رعایت احکام شرع به فراموشی سپرده می شود و خدای ناکرده انسان به گناه آلوده می گردد.

کسانی که مسئولیتهای مهم اجتماعی دارند، نباید فکر کنند که از وظایف عبادی مانند نیازهای نافله، دعاها، مستحبی، قرائت قرآن و... معاف هستند و با خود بگویند ما آن قدر به جامعه خدمت می کنیم که ثواب هر کدامش از چند ختم قرآن بیشتر است! البته خدمتی که وظیفه و واجب باشد، ثوابش از ختم قرآن بیشتر است، اما انسان برای انجام دادن آن خدمت، از برنامه های عبادی مستغنی نیست. اگر انسان با عبادت سر و کار داشته باشد، آن روح معنوی در او باقی می ماند تا بتواند به جامعه خدمت کند، و گرنه انگیزه های الهی در انسان ضعیف می شود و به جای این که انجام وظیفه کند، خودش هم آفت زده می شود و فاسد می گردد.